

گذشته ، حال و آینده اتحادیه های کارگری



کارل مارکس

متن زیر در اولین کنگره انجمن بین المللی کارگران (بین الملل اول) تصویب شد. این کنگره در سپتامبر ۱۸۸۶ در شهر ژنو سوئیس برگزار شد. این متن به عنوان یکی از رهنمود های کنگره به نمایندگان توسط کارل مارکس به زبان انگلیسی تهیه شده بود. آنچه که در پرانتز می آید از مترجم است.

الف: گذشته اتحادیه های کارگری

سرمایه نیروی اجتماعی متمرکز است، در حالی که فرد کارگر تنها نیروی کار کردن (نیروی کار) اش را برای واگذاری (به دیگری) در اختیار دارد. از این رو

قرارداد ما بین کار و سرمایه هرگز نمی تواند مبنای عادلانه داشته باشد؛ حتی به مفهوم رایج در جامعه ای که مالکیت وسایل زندگی و کار را در یک سو و انرژی تولیدی حیاتی را در مقابل آن قرار می دهد. قدرت اجتماعی کارگران در تعداد آنهاست. اما این قدرت ناشی از تعداد، به دلیل پراکندگی از هم پاشیده شده است. عدم اتحاد کارگران از رقابت اجتناب ناپذیر بین خودشان به وجود آمده و تداوم پیدا می کند.

ابتدا اتحادیه های کارگری از تلاش خود به خودی کارگران برای از بین بردن یا حداقل محدود کردن رقابت مابین خودشان تشکیل شدند تا در (عقد) قرارداد (میان کارگران و سرمایه داران) به شرایطی دست یابند که آنها را حداقل در وضعیتی فراتر از بردگان قرار دهد. از این رو هدف فوری اتحادیه های کارگری دست یابی به نیازهای روزمره بود تا چون ابزار مسدود کردن راه دست اندازی های بی امان سرمایه عمل کند: در یک کلام مسایل دستمزد و زمان کار. این (نوع) فعالیت اتحادیه های کارگری نه تنها مشروع که لازمند. تا زمانی که نظام تولیدی حاضر ادامه دارد، نمی توان این فعالیت ها را کنار گذاشت. برعکس، لازم است تا از طریق ایجاد و ادغام اتحادیه های کارگران در کشورهای مختلف این فعالیت ها فراگیر شود. از سوی دیگر، بدون این که کارگران خود به خود متوجه باشند، اتحادیه های کارگری مراکزی برای تشکل طبقه کارگر به وجود آورده اند، همان گونه که انجمن های شهر و کمون های قرون وسطی (به عنوان مراکز تشکل) برای طبقه متوسط عمل کردند. اگر به اتحادیه های کارگری در جنگ و گریز ما بین کار و سرمایه احتیاج است، وجود آنها به عنوان عاملین تشکل برای فراسوی رفتن از نظام کارمزدی و حکومت سرمایه پراهمیت تر است.

ب: شرایط کنونی اتحادیه های کارگری

اتحادیه های کارگری به دلیل توجه مفرط به مبارزات محلی و مقطعی با سرمایه، هنوز کاملاً به قدرت شان در مقابله با تمامیت نظام بردگی مزدی پی نبرده اند. از

همین رو آنها از جنبش های اجتماعی و سیاسی فاصله گرفته اند. اخیرا به نظر می رسد که آنها تا حدی به نقش تاریخی خود پی برده اند. به عنوان نمونه می توان از شرکت آنها در جنبش سیاسی اخیر انگلیس، مواضع جامع تر در ایالات متحده، و مصوبه زیر که در کنفرانس بزرگ اخیر نمایندگان اتحادیه کارگری در شهر شیفیلد (انگلیس) به تصویب رسید یاد کرد^۱.

" این کنفرانس، با قدردانی از کوشش های انجمن بین الملل (کارگران) برای ایجاد اتحاد از طریق پیوند مشترک برادری میان کارگران همه کشورها، در کمال جدیت به انجمن های گوناگونی که در این جا نمایندگی شده اند توصیه می کند که به این تشکیلات ملحق شوند زیرا که باور داریم این امر برای پیشرفت و شکوفایی تمامی جماعت کارگری اساسی است."

ج: آینده اتحادیه های کارگری

جدا از اهداف اولیه اشان، اتحادیه های کارگری باید بیاموزند که آگاهانه به عنوان مراکز تشکیلاتی طبقه کارگر در جهت منافع وسیع تر و آزادی او عمل کنند. آنها باید

^۱ - کنفرانس شیفیلد در روزهای ۲۱-۱۷ ژوئیه سال ۱۸۶۶، با شرکت ۱۳۸ نماینده از اتحادیه های کارگری که ۲۰۰ هزار کارگر را در بر می گرفتند، تشکیل شد. طی سال های ۶۸ - ۱۸۶۵ اتحادیه های کارگری در بریتانیا به مبارزه برای تعمیم حق رای پیوستند. در سال ۱۸۶۱ رویارویی ای بین ایالات جنوبی و حکومت فدرال ایالات متحده صورت گرفت. ایالات جنوبی که از بردگان برای تولید تجاری به ویژه تولید پنبه استفاده می کردند، خواهان جدایی از ایالات متحده شدند تا بتوانند برده داری را حفظ کنند. اتحادیه های کارگری در شهرهای شمالی و مناطق هم مرز با ایالت جنوبی به سازمان دهی جلسات و تظاهرات علیه برده داری و خواست جدایی ایالات متحده جنوبی مشغول شدند. طی جنگ داخلی (۶۵-۱۸۶۱) اتحادیه های کارگری جدیدی به وجود آمدند و به مبارزه برای ۸ ساعت کار در روز دامن زدند.

به هر جنبش اجتماعی و سیاسی که در این جهت عمل می کند یاری برسانند. خودشان را مدافعان و نمایندگان کل طبقه کارگر دانسته و این چنین هم عمل کنند و از تلاش برای پیوستن کارگران غیرمتشکل به صفوف خود کوتاهی نوزند. آنها باید به دقت حافظ منافع کم درآمدترین حرفه ها، چون کارگران کشاورزی، و آنان که به خاطر شرایط استثنایی از قدرت تهی هستند، باشند. آنها باید جهانیان را قانع کنند که تلاش هایشان تنگ نظرانه، و خودخواهانه نیست و با هدف رهایی توده های میلیونی ستم دیده انجام می شود.

کارل مارکس

۱۸۶۶

نخستین بار در « کتاب پژوهش کارگری » شماره پنجم درج شده است.

ترجمه: کامران نیری

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳